

نمایش های اولین روز جشنواره نمایش عروسکی

از امروز بخش صحنه‌ای بیستمین جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک کار خود را با اجرای شش نمایش آغاز می‌کند.امروز تالار سایه مجموعه تئاتر شهر میزبان نمایش «نقاشی‌های لایتناهی» به نویسندگی و کارگردانی آرمان بیژنی نسب می‌شود که در دو نوبت ۱۷:۳۰ و ۲۰ روی صحنه می‌رود. تالار قشقایی هم نخستین روز جشنواره را با میزبانی نمایش «آب و دیگران» نوشته و

در گفت وگو با بهرام کلهرنیا، دبیر هفدهمین جشنواره تجسمی فجر عنوان شد

لزوم نگاه اقتصادمحور به جشنواره تجسمی فجر



آزاده صالحی گروه فرهنگ و هنر

ایران بوده و اما روز فعالیت‌های متنوعی در این حوزه‌ها انجام داده است. با او درباره کم‌وکیف این دوره از جشنواره به گفت‌وگو نشستیم.

□ □ □

[۱] **جشنواره تجسمی فجر یکی از جشنواره‌هایی است که از زمان شکل‌گیری تا امروز توانسته در عین این‌که همگرایی را بین هنرمندان نسل پیشکسوت و جوان به‌وجود بیاورد. در قیاس با دیگر رویدادهای تجسمی از توالی و نظم بیشتری هم برخوردار باشد. شما به‌عنوان دبیر این دوره چه چشم‌اندازی را برای آن متصور هستید و چه ایده‌آل‌هایی را در ذهن دارید؟**

جشنواره فجر خیلی قدیمی نیست، نسبت به بی‌ینال‌ها و جشنواره‌های ملی تجسمی بزرگ که در سال‌های گذشته تجربه کرده‌ایم. متأسفانه در سال‌های گذشته به‌دلیل پاره‌ای بدفهمی‌ها و کنش‌ها از سوی برخی سیستم‌های فکری، جشنواره‌هایی که دارای ریشه‌های ملی و غنی بودند یکی‌یکی خشکیدند یا این‌که به‌پروژه‌های کوچک‌نامتوسط تبدیل شدند. این‌که چرا جشنواره‌ها مهم هستند و چرا باید درباره‌شان داوری کنیم نکته مهمی است. جامعه جهانی انسانی از قرن‌ها پیش متوجه فعالیت هنرمندان شد و به این مسأله رسید که هنرمندان با خلق آثارشان می‌توانند تأثیرات بنیادین و قدرتمندی را بر جامعه بگذارند و سبب‌ساز تحولاتی شوند. درواقع هنرمندان با کار و تلاش خود، بیانیه‌هایی را در زندگی اجتماعی ارائه می‌کردند. جامعه جهانی به این نکته پی بردند که لازم است گزارش هنرمندان را درباره وضعیت بشر از زبان خود آنها بشنویم. همین مسأله باعث شد تا از خیلی سال پیش در اروپا، جشنواره‌ها و بی‌ینال‌هایی شکل گرفته شود. در شرایط کنونی نیز جهانیان انتظار برگزاری جشنواره‌ها را می‌کشند، چرا که این جشنواره‌ها به مرکز پدیده‌یستان فرهنگی اندیشه‌ای تبدیل شده‌اند. ما هم مثل سایر ملت‌ها نیاز داریم تا جشنواره‌های متفاوت تجسمی، سینمایی، تئاتر و موسیقی را مورد پشتیبانی قرار دهیم و کشورهای دیگر از طریق این جشنواره‌ها به ابعاد مختلف هنر مایی بپردازند. جشنواره‌ها یک نوع آگاهی‌رسانی اجتماعی بسیار ضروری هستند. هرچند همان‌طور که اشاره کردم، ما در برهه‌هایی از زمان، مقدار زیادی از این جشنواره‌ها را به‌دلیل ندانم‌همکاری‌ها از کف داده یا آنها را کوچک‌شمردیم که این مسأله شایسته نبوده است. اما از زمانی که جشنواره تجسمی فجر پا جلو گذاشت با پشتیبانی خوبی از سوی دولت روبه‌رو شد، تا جایی که امروز به یک پدیده ملی تبدیل شده و لقب جشنواره جشنواره‌ها را گرفته است.

[۲] **اما به‌رحال جشنواره تجسمی فجر هم مانند دیگر رویدادهای هنری در این سال‌ها با افت‌وخیزهای مختلفی دست به گریبان بوده است.**

بله. شاید به این خاطر که این جشنواره در ساختار دولتی، مستقیماً مورد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واقع می‌شد و گاهی برحسب رخدادهای سیاسی-اجتماعی مورد موضع‌گیری قرار می‌گرفت و هنرمندان به این مسأله اشاره می‌کردند که ما جشنواره خودمان را می‌خواهیم. طبیعی است که هنرمندان

کار علیرضا ناصحی سپری می‌کند. این نمایش در دو نوبت ۱۶ و ۱۸:۳۰ اجرا دارد. اما تالار فردوسی در نخستین روز جشنواره شاهد اجرای اپرای عروسکی «مولوی» با طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور است که یک اجرا در ساعت ۱۵ دارد. تالار گلستان مرکز تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش، پذیرای نمایش «درخت بخشنده» به نویسندگی سیدجواد رحیم‌زاده و کارگردانی

مهناز آقایی است که در دو نوبت ۱۷:۳۰ و ۱۹:۳۰ روی صحنه می‌رود. پلاتو آیینه کانون هم میزبان نمایش «خرگوشک و رودخانه» نوشته حسین فدایی حسین و به کارگردانی زهرا طباطبایی است که دو اجرا در ساعت‌های ۱۶ و ۱۸ دارد. تالار هنر میزبان نمایش «تنبل احمد» به نویسندگی و کارگردانی علی بزون می‌شود که در دو نوبت ۱۶ و ۱۸ اجرا خواهد داشت.



اخر در جلسه شورای سیاست‌گذاری به کاربرد که اصطلاح بسیار بجا و زیبایی است. قطعاً اگر مرکز ماندگار آکادمی فجر شکل بگیرد می‌توان به اندیشه‌سازی بیشتری پرداخت اما متأسفانه این مسائل در دوره‌هایی از جشنواره مغفول مانده بود.

[۳] **براساس مطالعه و ارزیابی که نسبت به کارنامه جشنواره دوره‌های گذشته انجام داده‌اید، فکر می‌کنید برای برگزاری بهتر جشنواره آتی در کدام‌یک از شاخه‌های تجسمی ضعف وجود دارد که جادارد به آن بیشتر پرداخته شود؟**

باتوجه به تأکید بر عدالت فرهنگی، تمام شاخه‌های هنری مرجع، باید در فجر مورد احترام کامل قرار بگیرند. بنابراین هیچ‌کدام بر دیگری ارجحیت نخواهند نداشت و به‌تنهایی برچم فجر را به دست نمی‌گیرند؛ این یک کارگروهی است که باید درکمال انصاف ودقت انجام شود.

[۴] **می‌توانیم در این دوره شاهد تفاوت ساختاری در جشنواره باشیم یا سعی کرده‌اید براساس رویه دوره‌های پیش، جشنواره را برگزار کنید؟**

جشنواره این دوره نسبت به دوره‌های گذشته قطعاً متفاوت خواهد بود. هرچند من در این حیطه از تجارب هنرمندان و دبیران دوره‌های پیشین جشنواره نیز بهره می‌گیرم. استاد سیدعباس میرهاشمی گرمای در دوره‌های متوالی، دبیری فجر را به عهده داشته و به شکل مستقیم، مالک سنت فجر است. طبیعی است که دراین مسیر از حضور ایشان و تمامی عزیزان دیگر بهره‌برده و به آنها احترام می‌گذاریم و به عملکردشان وفاداریم. اما شالوده‌مورد علاقه کاری خودمان را هم زیر جلد فجر می‌نشانیم و تلاش می‌کنیم تا به نتایج دلخواه برسیم.

برش

+

گام زدن در مسیر همدلی

در اولین حرکتی که انجام شد، انجمن‌های تجسمی با حضور دکتر رضایی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت شدند و ایشان با برگزاری پای درددل روسای انجمن‌ها نشست و انجمن‌ها هرکدام به شکل مستقل درباره وضعیت خودشان با ایشان به گفت‌وگو پرداختند. در آن جلسه، معاون هنری ارشاد اعلام کردند که دغدغه رشد، توسعه و اندیشه به‌واسطه تحکیم کار و فعالیت انجمن‌ها شکل بگیرد که این مسأله اتفاق بزرگی است. پیشنهاد ایشان این بود که انجمن‌ها در فجر جایگاهی داشته باشد و متولی‌گری امور تخصصی خود را به عهده بگیرند. هرچند رنجیدگی موجود در هنرمندان، سنگین‌تر از این حرف‌هاست که با یکی دو جلسه گفت‌وگو حل شود. هنرمندان به شکل برحق، گله‌مند خطاها و ندانم همگاری‌هایی هستند که در دوره‌های پیشین نسبت به آنها صورت گرفته است. می‌خواهم بگویم که انجمن‌ها هیچ‌گاه درصدد این نبوده‌اند که با فجر مخالفت کنند، بلکه می‌خواهند درباره فعالیت هنری‌شان گفت‌وگو شود و خوشبختانه در این دوره شرایط این امر مهیا شده است. در این سال‌ها هنرمندان هیچ‌گونه سرپرستی قانونی نداشته‌اند. همین امروز اگر برای شخص من در خیابان گرفتاری پیش بیاید و از من پرسند که شغلت چیست و من بگویم: نقاش و گرافیست هستم، این جواب ممکن است برای برخی مراجع قانونی قانع‌کننده نباشد. هنرمندان امروز از دید جامعه، شغل‌های مشکوک و گنگ دارند و نهادهای مختلف درباره تثبیت جایگاه قانونی هنرمندان کم‌کاری‌های جدی کرده‌اند. در سال‌های اخیر شکل‌گیری صندوق بیمه اعتباری هنر اتفاق خوبی بود، ولی در کمال تأسف صندوق در این سال‌ها بارها زمین خورد و هنوز هم به‌درستی نتوانسته جایگاه خودش را تصحیح کند. هنرمندان بیمه ندارند، از حقوق کاری مشخص برخوردار نیستند، آثارشان سفارش‌دهنده واقعی ندارد و ناچارند خودشان به بازارسازی، بازاریابی و قیمت‌گذاری کارهایشان بپردازند و هزاران مشکل دیگر که انجمن‌ها می‌کوشند تا این کاستی‌ها را به حداقل برسانند. باوجود این مشکلات، آیا می‌توانیم به آنها بگوییم در جشنواره به ما کمک کنند؟ مگر ما برای آنها چه کرده‌ایم؟ در سؤال هم اشاره کردید که بین فجر و هنرمندان خلأهایی وجود دارد، شاید تمام این فاصله‌ها با یک دوره جشنواره پر نشود اما امروز نیروهای پشتیبانی در وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی از فجر حمایت می‌کنند و هنرمندانی نیز در کنار این رویداد قرار گرفته‌اند که من پیشاپیش در این گفت‌وگو از تمامی آنها قدردانی می‌کنم و امیدوارم این فاصله با همیاری نهادها و هنرمندان با مواد درست و منطقی پر شود و کدورت‌ها رنگ بپازند. شکی نیست که فجر متعلق به جامعه هنرمندان است و من آرزو دارم با درایت دست‌اندرکاران، این مشکلات حل شده و در دوره‌های بعدی به بهترین نتایج دست یابیم.



این نکته اشاره کنم که در شرایط کنونی، مقدار زیادی گنگی در برابر این جشنواره قرار گرفته است. از طرفی، زمان آن فشرده‌ترین زمان فجرهاست؛ یعنی ما چیزی کمتر از دو ماه زمان داریم و در این مدت محدود باید به نتایج دلخواه‌مان دست یابیم که کار بسیار سختی است. خوشبختانه

ادبیات

دو اثر کلاسیک داستانی صوتی شدند

کتاب‌های «بنال‌وطن» اثر آلن پاتن و «مسیح بازملوب» اثر نیکوس کازانتزاکیس که در انتشارات خوارزمی چاپ شده، به صورت صوتی منتشر شد. بنال وطن، اثر آلن پاتن، نویسنده آفریقای جنوبی است که سیمین

دانشور، مترجم برجسته ایرانی آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار ادبی قرن بیستم در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی است که در انتشارات خوارزمی منتشر شده است. ترجمه سیمین دانشور از این کتاب به فارسی، کمک کرد که این اثر در ایران نیز شناخته شود و همچنان مورد توجه علاقه‌مندان به ادبیات اجتماعی و سیاسی قرار بگیرد.

دانشور که خود یکی از پیشگامان ترجمه آثار مهم ادبیات جهان به فارسی است، با ترجمه این کتاب توانست پیام انسانی و جهانی آن را به مخاطبان ایرانی منتقل کند. کتاب مسیح باز ملوب نیز اثر نیکوس کازانتزاکیس، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته یونانی، یکی از شاهکارهای ادبیات قرن بیستم است.



قاب

یلدا با طعم شعر طنز

دومین «عصرانه طنز-طهران» امروز به‌مناسبت رسیدن شب یلدا در خانه شعر و ادبیات برگزار می‌شود.

این نشست با میزبانی و مدیریت سعید بیابانکی همراه است و بهرام غظیمی، امید مهدی‌نژاد، سابر قدیمی، مهدی استاداحمد، مرتضی درخشان، فرامرز ربیاح‌صفت، حسین رضوی‌فرد، شروین سلیمانی و منوچهر نضایی نیز به‌عنوان مهمانان و سخنرانان آن حضور دارند. این برنامه از ساعت ۱۷ در خانه شعر و ادبیات واقع در میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، خروجی کتابخانه ملی، بلوار دکتر حسن حبیبی، بلوار شهدای بانک مرکزی برگزار می‌شود.

جام جمه

فرهنگ

CULTURE

سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۳ شماره ۶۹۳۴

نگاه

عنایت چرزبانی پژوهشگر فلسفه و ادبیات

بیرون زدن از چرخه تکراری

نگاهی به «گروسو» مجموعه داستانی از رامین پوران

در ادبیات فارسی در چند دهه اخیر، باتوجه به وضعیت نشر و به تکرر شاعران و نویسندگان می‌توان در هر مکانی ولو کوچک تعداد زیادی شاعر و نویسنده پیدا کرد اما برای این‌که اثر آن شاعر یا نویسنده بتواند کار ارزشمندی باشد، باید امکانی را در زبان فارسی باز کند؛ منظور از زبان فارسی، رتوریک یا روستاخت زبان نیست، بلکه لایه‌های پنهان زبان، موقعیت‌های لحنی، گرامری، آوایی و اساساً به قول هایدگر برخورد با خود زبان به‌معنای خانه وجود است. در داستان‌های رامین پوران امکان‌هایی وجود دارد که ما را از وضعیت سلب متمرکز بیرون می‌آورد و آن هم مساله سوژه است. همان‌طور که در وضعیت‌های اجتماعی-سیاسی با یک وضعیت متمرکز روبه‌رو هستیم، داستان فارسی هم سعی می‌کرد مایه‌ا از ما محال آن را تولید کند و همان وضعیت متمرکز را در کاراکترها و سوژه‌های داستانی پیاده و تکرار کند.

یعنی ما در سطح اجتماعی با یک وضعیت ایدئولوژیک روبه‌رو هستیم و نویسندگای هم که داستانی را می‌نویسد، شخصیتی را خلق می‌کند که این شخصیت دقیقاً بازنمایی آن وضعیت اجتماعی است. بازنمایی همان تمرکز و ایدئولوژی سلب و سخت است. مثلاً داستان‌های دولت‌آبادی نمونه بارز چنین ادبیاتی است که در کارهای او ما



سوژه‌هایی فیکس شده در موقعیت‌های مشخص می‌بینیم، در یک لحظه زمانی-مکانی مشخص و خط روایت‌ها از A شروع می‌شود و ختم می‌شود به B و یک پایان‌بندی دارد و سلسله‌ای را طی می‌کند که این همان بازنمایی درک زمانی-مکانی ما از هستی اجتماعی است. اینجا ما یک سلسله متمرکز دورانی را درون آن می‌بینیم و به‌همین خاطر درک ما از زبان هم دورانی خواهد بود. به‌تعبیری همچنان‌که ما در حوزه اجتماعی-سیاسی‌مان یک وضعیت دورانی یا لوپ‌مانند داریم، ادبیات ما هم همین رویکرد را دارد و بازنمایی همین دایره است، درک مکانی و زمانی ما هم دورانی است. در این وضعیت چه‌کار باید کرد و چگونه می‌توان با سوژه‌هایی که در این لوپ تولید شده‌اند مقابله کرد. به یک داستان کوتاه از کتاب به‌نام «غذاخوران مترو» اشاره می‌کنم. در این متن دو شخصیت وجود دارند که به‌شکل تصادفی در مترو با هم مواجه می‌شوند و با هم گفت‌وگو می‌کنند درباره یک مساله‌ای با عنوان غذاخوردن در مترو. یک عده‌ای انگار غذاخوران مترو شده‌اند. ولی این عده هیچ‌کدام هم‌دیگر را نمی‌شناسند، هیچ ارتباطی هم با هم ندارند، هیچ شناسه‌ای هم ندارند، هیچ شناسنامه‌ای هم دید این سرگردانی و ملحق بودن آنها در این داستان، آیا نتیجه ساختار سیاسی-اجتماعی است یا خیر این متن می‌تواند این سرگردانی را تبدیل کند به یک لحظه گریز یا یک لحظه مقاومت. مساله اینجاست که چطور می‌توان، به‌حاشیه‌رفتن، طردشدن و

معلق بودن و بی‌هویت بودن از نگاه همان هسته سفت و سخت مرکزی را تبدیل کرد به امکانی برای فراروی.



متن کامل

نگاره

عکس‌های هنرمند فلسطینی در موزه فلسطین

نمایشگاه عکس-روایت «کلیدهایی که عمرشان از اسرائیل بیشتر است» حاصل عکاسی وهب رامزی از فلسطینیان ساکن در چهار اردوگاه آوارگان فلسطینی در لبنان است که دیروز در موزه هنرهای معاصر

فلسطین افتتاح شد. در این نمایشگاه علاوه‌بر حضور یک عکاس ایرانی در اردوگاه فلسطینی‌ها، ویژگی دیگری دارد و آن هم نشینی عکس در کنار روایت سوژه است. از ترکیب عکس‌ها و روایت‌های این نمایشگاه، کتابی با عنوان «بازگشت» به قلم ساجده ابراهیمی، چاپ و در روزهای آتی از آن رونمایی می‌شود. نمایشگاه عکس-روایت کلیدهایی که عمرشان از اسرائیل بیشتر است، محصول مرکز هنری رسانه‌ای سلوک است که تصویر و روایتی از امید و پایداری مردمانی را ارائه می‌دهد. این نمایشگاه تا تاریخ ۲۰ دی در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ و در روزهای پنجشنبه و جمعه از ۱۰ تا ۱۷ برای بازدید عموم برقرار است.

